

## سخن آیت الله سید محمد باقر موسوی همدانی (مترجم المیزان)

### درباره خانم مرضیه حدیدچی (خواهر دباغ)

#### از همان اوایل نهضت دست به کار شد

به واسطه آشنایی و برادری با حاج حسن آقا و اینکه در یک خانه بزرگ شده بودیم، با خانم دباغ آشنا شدم. مرضیه خانم از همان اوایل نهضت دست به کار شده، وارد مبارزه شدند. هر روز به مقتضای زمان، اعلامیه های منتشر شده را تکثیر کرده، به شهرستانها می بردند و درباره مسائل انقلاب سخنرانی می کردند. منزل ایشان در همسایگی مسجد امام موسی جعفر (ع) بود و امام جماعت آنجا دوست و هم بحث من شهید آیت الله سعیدی بودند که شخص مبارزی بودند و خانم دباغ هم چون ذاتاً زن سلحشوری هستند، به آقای سعیدی ارادت می ورزیدند و با این شهید گرامی، در کارهای مبارزاتی همکاری می کردند. در آن سالها، جلسه ای در منزل خواهر دباغ برگزار می شد که من در آن جلسه همه روزه صحبت می کردم و صحبتها نوشته می شد که سرانجام به صورت یک کتاب به نام درسهایی از اصول عقاید منتشر شد.

#### ساده، بی توجه به زرق و برق دنیا

رفتار ایشان شاید مثل یک زن معمولی نباشد و من این را در طول همان یک ماه رمضان که در منزل ایشان بودم، متوجه شدم؛ مثلاً هیچ گاه ندیدم مانند بقیه خانمها سفره رنگین بیندازند و تفننی در غذا داشته باشند. ایشان در ساده و پاک زیستی و انضباط داشتن، مثل یک سرباز بودند. به دنیا و تجملات آن پشت کرده بودند و هیچ توجه خاصی به آن نداشتند؛ و به اصطلاح زرق و برق دنیا چشمشان را پر نکرده بود. خواهر دباغ اهل مبل و دکور و... هم نبودند. علایق مختص زنها، انگار اصلاً برایشان معنا نداشت. کار بسیار خوبی که مرضیه خانم انجام داده بودند، تبدیل منزل خودشان به کلاس درس اعتقادات برای دختران نوجوان بود. کتابی را که قبلاً عرض کردم، حاصل سخنرانی من در همین جلسات است.